

سرنوشت احادیث تا خلافت عمر بن عبدالعزیز رحمۃ اللہ علیہ

گردآوری:
ابوعمر انصاری

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت های مفید

www.aqeedeh.com

www.islamtxt.com

www.ahlesonnat.com

www.isl.org.uk

www.islamtape.com

www.blestfamily.com

www.islamworldnews.com

www.islamage.com

www.islamwebpedia.com

www.islampp.com

www.videofarda.com

www.nourtv.net

www.sadaiislam.com

www.islamhouse.com

www.bidary.net

www.tabesh.net

www.farsi.sunnionline.us

www.sunni-news.net

www.mohtadeen.com

www.ijtehadat.com

www.islam411.com

www.videofarsi.com

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

۳	سرنوشت احادیث از حیات پیامبر ﷺ تا خلافت عمر بن عبدالعزیز رحمه الله
۵	احادیثی که در آنها اذن به نوشتن کاملاً مشهود است:
۷	نمونه‌هایی از نوشتن سنت توسط صحابه:
۸	تشویق شاگردان به نوشتن احادیث
۹	تدوین احادیث در صحیفه‌ها
۹	نمونه‌هایی از صحیفه‌های نوشته شده در زمان صحابه:
۱۰	تلاش تابعین در جمع آوری سنت نورانی:
۱۰	نمونه‌هایی از تشویق تابعین به نوشتن احادیث:
۱۱	مثال‌هایی از این صحیفه‌ها:

سرنوشت احادیث از حیات پیامبر ﷺ تا خلافت عمر بن عبدالعزیز رحمه الله

در بین برخی چنین شایع است که احادیث رسول الله ﷺ بیش از صد سال بدون اینکه نوشته شود، سینه به سینه در میان مسلمانان نقل شده، تا اینکه زمان عمر بن عبدالعزیز رحمه الله این احادیث به دستور وی بر روی کاغذ مکتوب شده است.

لذا افرادی که منتظر بهانه برای وارد کردن طعن به دومین منبع اصیل اسلام یعنی سنت هستند فرصت را غنیمت شمرده، از این اشتباه غیر علمی سود برده و برای خود داستانها ساخته تا شاید به گمان باطل دلهایی را به بیراهه کشانده و بگویند از کجا معلوم احادیثی که پس از یک قرن بدون نوشتن رها شده ساخته‌ی فکر جاعلان و دروغگویان نباشد.

زیرا علمای اسلام خود بر این نظر اتفاق دارند که اولین کسی که سنت را تدوین و تصنیف نمود ابن شهاب الزهری است که در سال ۱۲۴ یا ۱۲۵ هجری وفات نموده است. و با این سخن این گمان را به وجود می‌آورند که اولین کسی که احادیث را نوشته ابن شهاب زهری است.

و در تقویت ادعاهای خود احادیثی را مبنی بر نهی رسول الله ﷺ از نوشتن حدیث و امتناع اصحاب خصوصاً شیخین (ابوبکر و عمر رضی الله عنهما) از جمع‌آوری و نوشتن سنت، ذکر می‌کنند.

در این میان از جمله علمای حدیث که به رد این شبهات واهی پرداخته و اثبات نموده که احادیث رسول الله ﷺ بدون انقطاع و با امانت داری کامل به ما رسیده، خطیب بغدادی رحمه الله می‌باشد که در کتاب ارزشمندش «تقیید العلم» به این مسئله می‌پردازد.

خطیب در این کتاب ابتدا به بررسی احادیثی می‌پردازد که در آنها از نوشتن حدیث نهی شده و این احادیث را با هم چه صحیح و چه ضعیف ارائه می‌کند.

ولی این احادیث به جز یک حدیث یعنی حدیث ابی سعید خدری رضی الله عنه «لَا تَكْتُبُوا عَنِّي وَمَنْ كَتَبَ عَنِّي غَيْرَ الْقُرْآنِ فَلْيَمْحُهِ». [أخرجه مسلم مرفوعاً].

ترجمه: «از (سخنان) من چیزی را ننویسید و هرکس غیر از قرآن چیزی از (سخنان) من را نوشته آنها را پاک کند».

ما بقی چنانچه دکتر محمد مصطفی الأعظمی در کتاب «دراسات في الحديث النبوي» به آن می‌پردازد، دارای ضعف می‌باشند.

و حدیث ابی سعید خدری رضی الله عنه چنانچه امام بخاری بیان می‌کند موقوف است یعنی سخن خود ابی سعید است نه قول رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم.

با این وجود اگر ما این احادیث را صحیح بدانیم، از یک طرف بنا به قول ابن قتیبه، رامهرمزی، خطابی و گروهی دیگر از علمای حدیث، احادیث امر به نوشتن که صحیح و صریح می‌باشند، ناسخ احادیث نهی می‌باشند.

و از طرفی دیگر بنا به قول خطیب بغدادی و خطابی و دیگر علما این نهی، مربوط به عدم نوشتن احادیث در مصحف‌هایی است که قرآن در آن نوشته می‌شده تا ناخواسته اختلاطی بین آیات قرآن و احادیث بوجود نیاید.

همچنین گفته شده که نهی برای کسانی بوده که بیم می‌رفته بر نوشتن تکیه کرده و حفظ را فراموش کنند و رخصت برای کسانی است که از این موضوع در امان باشند.

خطیب بغدادی رحمته الله در ادامه‌ی کتابش در فصل دوم و سوم روایات و اخباری را از صحابه و تابعین که دال بر کراهت نوشتن است می‌آورد، که این روایات در واقع حاکی از علت‌هایی است که سبب می‌شد اصحاب یا تابعین به خاطر آن نوشته‌هایشان را از بین برده یا بسوزانند.

و در هیچ‌کدام از اینها نصی بر نهی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم از نوشتن احادیث به چشم

نمی خورد.

خطیب بغدادی رحمۃ اللہ علیہ فصل سوم از قسمت دوم کتابش را با این جمله آغاز می کند: «ترس از افتادن علم به دست نا اهلان و کسانی که به این خاطر کتابهای خود را قبل از مرگ از بین می بردند».

و اگر بیندیشیم، می بینیم که حقیقت نیز همین است زیرا اگر نهی صریحی از رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم در این باره وجود داشت، ابوبکر صدیق رضی اللہ عنہ احادیث را جمع آوری نمی کرد یا عمر بن خطاب رضی اللہ عنہ نیت به جمع آوری سنت نمی نمود.

همچنین خطیب در فصل دوم از همین قسمت، از کسانی نام می برد که در آخر عمر خود از عمل محو احادیث پشیمان می شدند. از جمله آنها «عروه بن زبیر» می باشد که این گونه می گوید: «در ابتدا احادیث را می نوشتم، سپس آنها را پاک کردم و الان حاضر مالم و فرزندانم را برای بدست آوردنشان فدا کنم».

در این میان سفیان ثوری رحمۃ اللہ علیہ که از مخالفین اتکای بر کتابت بود، خود احتیاطا احادیث را می نوشت.

پس با تمام این گفته ها واضح و آشکار است کسانی که از نوشتن احادیث خود داری می کرده یا اینکه بعد مصاحف خود را از بین می بردند بر اساس اجتهاد شخصی بوده و یک مسئله ی عمومی نبوده است.

و تعداد دیگری از صحابه و تابعین همواره وجود داشته اند که احادیث را از طریق نوشتن محافظت می نمودند.

خطیب بغدادی رحمۃ اللہ علیہ در قسمت سوم کتاب خود احادیثی را از رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم ذکر می کند که در آنها اذن به نوشتن کاملاً مشهود است.

احادیثی که در آنها اذن به نوشتن کاملاً مشهود است:

از جمله ی این احادیث صحیح:

۱- حدیث ابی هریره: «ما من أصحاب النبی صلی اللہ علیہ وسلم أحد أكثر حدیثاً عنه مني، إلا ما

كان من عبدالله بن عمرو، فإنه كان يكتب ولا أكتب»^۱.

«هیچ کدام از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله بیشتر از من حدیث روایت نکرده به جز عبدالله بن عمرو که او می نوشت ولی من نمی نوشتم».

۲- از ابوهریره روایت است که: «خطب رسول الله صلی الله علیه و آله في فتح مكة... إلى أن قال: "اكتبوا لأبي شاة"^۲.

«از ابوهریره روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله در فتح مکه خطبه خواند... تا جایی که فرمود: برای اُبی شاة (سخنان من را) بنویسید».

۳- حدیث عبدالله بن عمرو بن العاص: «كُنْتُ أَكْتُبُ كُلَّ شَيْءٍ أَسْمَعُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِلَى أَنْ قَالَ: فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: أَكْتُبْ قَوْلَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا خَرَجَ مِنِّي إِلَّا حَقٌّ»^۳.

حدیث عبدالله بن عمرو بن العاص رضی الله عنه: «من هر چیزی را که از رسول الله صلی الله علیه و آله می شنیدم می نوشتم ... تا جایی که گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: بنویس، قسم به ذاتی که جانم در دست اوست هر چه از دهان من خارج می شود حق است».

سپس خطیب در فصل دوم کتاب خود که آنرا باب «اصحابی که از آنها روایت شده علم را می نوشتند یا به نوشتن آن امر می کردند»، نام گذاری کرده، روایات زیادی را در این باره ذکر می کند که اکثر آنها صحیح هستند.

از جمله ی آنها روایت ابو سعید خدری رضی الله عنه است که فرمود: «ما كنا نكتب شيئا غير القرآن والتشهد». «ما غیر از قرآن و تشهد چیز دیگری را نمی نوشتیم».

و ابوسعید کسی است که حدیث: «لَا تَكْتُبُوا عَنِّي سِوَى الْقُرْآنِ مَنْ كَتَبَ عَنِّي

۱- باب كتابة العلم از کتاب العلم از صحیح امام بخاری.

۲- مصدر قبلی.

۳- امام احمد بن حنبل در مسندش (۱۶۳/۲) و الدارمی در سننش باب من رخص في كتابة العلم (۱۰۳/۱)

سَوَى الْقُرْآنِ فَلْيَمْحُهُ». را روایت می‌کند.

خطیب می‌گوید: او همان کسی است که خبر از نوشتن قرآن و تشهد می‌دهد و این خود دلیلی است بر اینکه نهی از نوشتن قرآن همانطور که گفته شد به خاطر پرهیز از اختلاط چیزی با کلام الله جل جلاله و عدم مشغولیت به غیر از قرآن بوده است. و زمانی که این خطر برطرف شده و نیاز به نوشتن به وجود آمده، دیگر نوشتن حدیث مکروه نیست، چنانچه صحابه نوشتن تشهد را مکروه نمی‌دانستند.

و هیچ فرقی بین تشهد و دیگر علوم نیست، زیرا هیچکدام قرآن نمی‌باشند. و کتابت حدیث توسط صحابه به خاطر احتیاط بوده چنانچه کراهت کتابت نیز به همین دلیل بوده است.

خطیب فصل سوم کتابش را به ذکر روایات از تابعین و اجازه و تشویق شاگردانشان نسبت به نوشتن حدیث اختصاص داده است.

اما سبب گسترش کتابت سنت در عصر تابعین و بعد از آن و تکیه کردن بر کتابت را، خطیب رحمۃ اللہ علیہ اینگونه توضیح می‌دهد:

مردم نوشتن علم را گسترش دادند و پس از اعتقاد به کراهیت به آن روی آوردند، زیرا روایات منتشر و سندهای حدیث طولانی و اسامی رجال و کنیه و نسب‌هایشان زیاد شد و الفاظ عبارتها، متفاوت گشت در نتیجه سینه‌ها از حفظ عاجز ماندند و حدیث مکتوب در این زمان قابل اعتمادتر از علم حافظ شد و رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم به کسی که حافظه‌اش ضعیف بود اجازه‌ی نوشتن را داده بود و عمل صحابه و تابعین و پیروان آنها نیز بیانگر همین مطلب بود.

نمونه‌هایی از نوشتن سنت توسط صحابه

۱- جابر بن سمره رضی اللہ عنہ بعضی از احادیث رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم را نوشت و آنها را بنا به

- طلب عامر بن سعد بن أبی وقاص برایش فرستاد.^۱
- ۲- زید بن أرقم رحمته بعضی از احادیث نبوی را نوشته و برای انس بن مالک رحمته ارسال کرد.^۲
- ۳- نوشته‌ی زید بن ثابت رحمته بنابر درخواست عمر بن خطاب رحمته در موضوع جد.^۳
- ۴- سمره بن جندب احادیثی از رسول الله صلی الله علیه و آله را که نزد خود داشت برای پسرش سلیمان نوشت و فرستاد و امام محمد بن سیرین رحمته این نامه را تحسین کرده و می‌گوید: در نامه سمره به پسرش علم فراوانی نهفته است.^۴
- ۵- عبدالله بن أبی أوفی احادیث رسول الله صلی الله علیه و آله را برای عمر بن عبدالله فرستاد.^۵

تشویق شاگردان به نوشتن احادیث

- ۱- انس بن مالک رحمته فرزندان را به نوشتن علم تشویق می‌کرد و می‌گفت: «فرزندانم علم را بوسیله نوشتن نگهداری کنید. و می‌گفت: ما علم کسی را که ننوخته بود علم به حساب نمی‌آوردیم».
- ۲- خطیب بغدادی از تعدادی از شاگردان عبدالله بن عباس رحمته روایت می‌کند که ابن عباس گفته: «علم را با نوشتن محافظت کنید زیرا بهترین محافظ برای علم کتاب است».
- ۳- همچنین از عمر بن خطاب رحمته روایت میکنند که گفت: «علم را با نوشتن محافظت کنید».
- ۴- و از علی بن أبی طالب رحمته روایت شده که گفت: «چه کسی با پول علم را از من

۱- صحیح امام مسلم کتاب الإمارة (۱۰).

۲- مسند امام احمد (۳۷۰/۴-۳۷۴) و تهذیب التهذیب ابن حجر (۳/۳۹۴).

۳- سنن دارقطنی (۹۴-۹۳/۴).

۴- تهذیب التهذیب (۲۳۶-۲۳۷)، سنن أبی داود (۳۱۴/۱-۳۱۵ ح: ۴۵۶).

۵- کتاب جهاد از صحیح امام بخاری و همچنین صحیح امام مسلم (ج: ۲۰).

می‌خرد؟ أبوخیثمہ می‌گوید: (منظورش این بود که) دفتری را بخرد که علم را در آن بنویسد».

تدوین احادیث در صحیفه‌ها

در حقیقت صحیفه‌ها منشأ اصلی تصنیفات جوامع، مسانید و سنن در قرن دوم و سوم هجری می‌باشند.

حافظ ابن رجب می‌گوید: «آنچه در زمان صحابه رضی اللہ عنہم نوشته می‌شد، مرتب و موضوع بندی شده نبود و فقط برای حفظ و مراجعه نوشته می‌شد. سپس در عصر تابع تابعین این احادیث گردآوری شد. بعضی از اهل علم سخنان رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم را گردآوری کرده و گروهی دیگر سخنان صحابه را».

عبدالرزاق می‌گوید: اولین کسی که نوشته‌ها را گردآوری کرد ابن جریج بود و اوزاعی زمانی که به نزد یحیی ابن کثیر رفت کتابهایش را تصنیف نمود.

نمونه‌هایی از صحیفه‌های نوشته شده در زمان صحابه:

۱- صحیفه ابوبکر صدیق رضی اللہ عنہ که در آن صدقات واجب نوشته شده بود.

۲- صحیفه‌ی علی بن ابی طالب.

۳- صحیفه‌ی عبدالله بن عمرو بن العاص معروف به صحیفه صادق.

۴- صحیفه عبدالله بن ابی اوفی.

۵- صحیفه ابوموسی الأشعری.

۶- صحیفه جابر بن عبدالله.

همه‌ی این صحیفه‌ها در حیات رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم نوشته شدند.

همچنین می‌توان از صحیفه‌ی همام معروف به صحیفه‌ی صحیحہ نام برد که احادیثش

از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است.

تلاش تابعین در جمع آوری سنت نورانی:

تابعین رحمهم الله سنت رسول الله و بلکه کل دین را از صحابه دریافت نمودند و ابلاغ این رسالت عظیم را عهده دار شدند. بهترین نسل بعد از صحابه آنها بودند که زحمات زیادی در خدمت به سنت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم کشیدند.

نمونه‌هایی از تشویق تابعین به نوشتن احادیث:

خطیب بغدادی رحمته از حسن بصری روایت می‌کند که او گفت: «هیچ چیز همانند کتاب، علم را محافظت نمی‌کند، ما علم را می‌نویسیم تا از آن محافظت کنیم». و از سعید بن جبیر روایت می‌کند که گفت: «من نزد ابن عباس رضی الله عنه می‌نوشتم تا اینکه دفترم پر می‌شد سپس روی دمپایی‌ام می‌نوشتم و سپس در کف دستم». و از صالح بن کیسان روایت می‌کند که او گفت: «من و ابن شهاب زهری با هم علم می‌آموختیم. به هم گفتیم که سنتها را می‌نویسیم. پس هر آن چه از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم آمده بود را نوشتیم سپس او گفت: آن چه از صحابه به ما رسیده را نیز بنویسیم زیرا سنت است.

گفتم: سنت نیست و من نمی‌نویسم.

او نوشت و من ننوشتم، او برد و من باختم».

و از ابن شهاب زهری روایت می‌کند که می‌گفت: «اگر به خاطر احادیث ناپسند و ناشناخته‌ای که از مشرق می‌آمدند نبود، نه حدیثی را می‌نوشتم و نه اجازه به نوشتن می‌دادم».

و خطیب رحمته از معاویه بن قره روایت می‌کند که گفت: «ما علم کسی را که

نمی‌نوشت علم به حساب نمی‌آوردیم».

نوشتن احادیث در زمان تابعین گسترش فراوانی یافت، چنانچه نوشتن امر لاینفک مجالس و دروس علم شده بود.

در این عصر صحیفه‌های فراوانی نوشته شد که دکتر مصطفی الأعظمی تعداد بسیاری از آنها را در کتابش «دراسات في الحديث النبوي» آورده است.

مثال‌هایی از این صحیفه‌ها:

- ۱- صحیفه یا صحیفه‌های سعید بن جبیر شاگرد ابن عباس رضی الله عنه.
 - ۲- صحیفه بشیر بن نهیک که به نقل از ابوهریره رضی الله عنه و دیگران نوشته شده.
 - ۳- صحیفه‌های مجاهد بن جبر شاگرد ابن عباس رضی الله عنه.
 - ۴- صحیفه ابی الزبیر محمد بن مسلم بن تدرس المکی شاگرد جابر بن عبدالله رضی الله عنه.
 - ۵- صحیفه زید بن ابی‌انیسه الرهاوی.
 - ۶- صحیفه ابی قلابه که هنگام وفات آنرا برای ایوب السختیانی وصیت کرد.
 - ۷- صحیفه ایوب بن ابی‌تمیمه السختیانی.
 - ۸- صحیفه هشام بن عروه بن الزبیر.
- اما دوران عمر بن عبدالعزیز رحمته الله تابعی بزرگوار مشهورتر از آن است که نیاز به شرح و بیان داشته باشد.

امام بخاری در صحیحش از عبدالله بن دینار روایت می‌کند که عمر بن عبدالعزیز رحمته الله برای ابی بکر بن حزم نوشت: «هرآن چه از احادیث رسول الله صلی الله علیه و آله که وجود دارد را بیاب و بنویس زیرا من از نابودی علم و رفتن علما می‌ترسم. و به جز حدیث رسول الله صلی الله علیه و آله چیز دیگری را قبول نکن و باید علم آشکار شود و باید مجالسی برپا کنید تا هر کس نمی‌داند، علم پیدا کند، زیرا علم از بین نمی‌رود مگر زمانی که پنهانی شود».

از ابن شهاب زهری نیز روایت شده که عمر بن عبدالعزیز به ما دستور داد تا احادیث

را جمع آوری کنیم.

و آن را دفتر دفتر می‌نوشتیم سپس او به تمامی قلمرو حکومت خود دفتری را فرستاد. بله اینها سندهایی تاریخی و محکم از سرنوشت احادیث رسول الله صلی الله علیه و آله در قرون اولیه اسلام بود.

حقایقی که برای هر طالب حق هیچ جای شکی را باقی نمی‌گذارد که احادیث رسول الله صلی الله علیه و آله با حفاظت کامل از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است. البته من این مطالب را برای پاسخ به منکرین سنت جمع آوری نکردم. بلکه هدیه‌ای است برای مؤمنانی که با فهم این حقایق بر ایمانشان افزوده شده و اعتقادشان استوارتر می‌گردد.

﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [آل عمران: ۳۱].

بگو: «اگر خدا را دوست می‌دارید، از من پیروی کنید تا خدا شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببخشد، و خداوند آمرزنده مهربان است».

برگرفته از:

کتاب تدوین السنة النبوية ونشأته وتطوره، تألیف: دکتر محمد بن مطر الزهرانی.
و کتاب: تقييد العلم، تألیف: ابوبکر أحمد بن علی بن ثابت الخطیب البغدادی.